

**نویسنده :** والدن بیلو (walden Bello)

**منبع و تاریخ نشر :** کمان دریم «2021-01-07»

**برگردان :** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

---

**ایالات متحده وارد یک دوره ترسناک و بیمار شده است**  
*The United States Has Entered a Frightening Weimar Era*

**طوفان خشونت آمیز کاپیتول توسط تندروهای طرفدار ترامپ چهره بحران های آینده را برجسته می کند .**

***The violent storming of the Capitol by pro-Trump extremists underlines the face of crises to come***



افراط گرایان طرفدار ترامپ به کاپیتول ایالات متحده حمله می کنند عکس از (Shutterstock):

در اواسط فوریه «2021»، مرگ و میر آمریکایی های در اثر «COVID-19» ممکن است به مراتب از «405,400» مرگ و میر این کشور در طول جنگ جهانی دوم فراتر رود. تقریباً در اواسط ماه مه تعداد بیشتری از آمریکایی ها نسبت به جنگ داخلی که منجر به کشته شدن (655000) نفر و بیماری همه گیر ناشی از آنفلوآنزای اسپانیایی در سال (1918) که (675000) نفر از بین رفته اند، بر اثر ویروس جان خود را از دست داده اند. با این وجود، گره گشایی سیاه COVID-19 در آمریکا که به خودی خود تحمیل شده است، ممکن است تحت تأثیر گره گشایی سیاه این کشور قرار گیرد، که در چند هفته گذشته با سرعت پیچیده ای پیش رفته است، زیرا یک بار برای موفقیت

جا نشینی، آمریکایی ها از طریق صندوق های رای، متحمل یک ضربه بدنی شدند بخش بزرگی از رأی دهندگان که قدم در قدم بارهبر خود در امتناع از پذیرش نتایج انتخابات ریاست جمهوری راه پیموده اند (جو بایدن) در این زمان نشسته خواهد بود، اما ممکن است از نظر رأی «74» میلیون آمریکایی تحت طلسم «دونالد ترامپ» بردوی غیرقانونی شناخته شود. رقابتهای انتخاباتی آینده برای دستیابی به قدرت ممکن است در نتیجه با دوزهای زیادی از جنگ خیا با نی تصمیم گرفته شود، هما طور که ایالات متحده راه جمهوری بدبخت و بیمار آلمان را طی می کند. طوفان خشونت آمیز کاپیتول توسط یک گروه از طرفداران «ترامپ» از چهره های بحران های بعدی تأکید کرد بحران آمریکا برای دهه ها در حال افزایش است و COVID-19 فقط به سرعت حرکت خود را به سمت نا بودی چشمگیر اش تسریع کرده است. نکته اساسی در توضیح این بحران، تحول برتری سفیدپوستان است، شرطی که حزب جمهوری خواه از اواخر دهه شصت با استفاده از به اصطلاح "استراتژی جنوب" و سیاست سوت (SWAT) نژادپرستانه از آن بهره گرفته است تا حزب را نماینده نژادی کند اکثریتی که زیر و بم گسترش جمعیتی و فرهنگی آمریکای غیر سفید پوست تهدید می شود.

### اواره گی آمریکا « America Displaced »

این بحران اقتصادی همزمان و به ظاهر برگشت ناپذیر ایالات متحده نقش اساسی داشته است. با تبلیغ این که اگر سرمایه در جستجوی نیروی کار با کمترین قیمت در اطراف باشد، به بهترین دنیای ممکن برای آمریکا و بقیه منجر می شود، نظریه نئولیبرال توجیه حمل ظرفیت تولید و مشاغل به «چین» و سایر مناطق جنوب جهانی را فراهم می کند با تولید مشاغل تولیدی از حدود «18» میلیون در سال (1979) به «12» میلیون در سال (2009)، به صنعتی شدن سریع منجر شد. مدتها قبل از بحران وال استریت در سال «2008»، چنین کلیدی در ایالات متحده صنایعی از قبیل الکترونیک مصرفی، لوازم خانگی، ابزارآلات، قطعات خودرو، مبلان، تجهیزات ارتباط از راه دور و بسیاری دیگر که غول سیستم تولید جهانی سرمایه داری بوده اند، به «چین» منتقل شده اند. با تولید پردرآمد و مشاغل یقه سفید (سفیدپوستان) که به جاهای دیگر فرستاده شده، ایالات متحده به یکی از نابرابرترین کشورهای جهان تبدیل شد و باعث شد توماس پیکتی، اقتصاددان، گفت: "من می خواهم تأکید کنم که کلمه "فروپاشی" بدون اغراق است. (50 درصد پایین توزیع درآمد از سال «1960» تا «1980» حدود (20 درصد درآمد ملی را ادعا می کرد. اما این سهم تقریباً به نصف تقسیم شده است و در سال «2010-2015» به «12» درصد رسیده است. سهم بالاترین درصد در جهت مخالف حرکت کرده است از سختی (11 درصد به بیش از «20» درصد "ترامپ" در اینجا فرصتی را احساس کرد که رهبری دموکرات گره خورده به وال استریت آن را نادیده گرفت و او ضد جهانی سازی را به عنوان یکی از محورهای اصلی برنامه انتخابات «2016» خود قرار داد. و با گره زدن از ضد جهانی سازی به شعارهای ضد مهاجر و درخواست های ضد سیاه پوستی سگ، او توانست به طبقه کارگر سفیدپوست که قبلاً سیگنال هایی را ارائه داده بود مبنی بر اینکه آماده است تحت تأثیر نژادی از همان زمان ریگان در دهه «1980» از قضا، ترکیبی از اعتقادات ایدئولوژیک نئولیبرالیسم و گرسنگی شرکت های بزرگ آمریکایی برای سودهای کلان، اقتصاد تحت مدیریت دولت «چین» را به اصطلاح "کارگاه جهانی" تبدیل کرد، که در ایجاد فقط یک پایگاه صنعتی عظیم که چین را ساخته است، در «25» سال نقش اساسی داشت. مرکز جدید انباشت سرمایه جهانی، ایالات متحده و اروپا را آواره و یا بی جا می کند. شی جین پینگ نبض خود را در مورد چین جدید نشان می دهد، و با ایدئولوژی میلیون ها نفر از چینی ها اعتماد به نفس می بخشد که دیدگاه افزایش سطح زندگی و غرور ملی گرایانه ای را ترکیب می کند که چین از اواسط دهه «1850» برای همیشه "قرن شرم" را پشت سر گذاشته است اواسط دهه «1950».

## احساس مبهم بیماری روحی ایدئولوژیکی آمریکا

حتی وقتی جمعیت چینی با انگیزه ایدئولوژیک از بحران ویروس کرونا خارج می شود ، متقاعد شده است که توانایی چین در مهار COVID-19 برتری روش های استبدادی حکمرانی چین را ثابت می کند ، روح فعلی جامعه آمریکا شاید به بهترین وجه توسط خطوط جاودانه ویلیام باتلر ییتس جذب شود: "بهترین ها فاقد همه اعتقادات هستند ، در حالی که بدترین ها سرشار از شدت پرشور هستند."

ایدئولوژی آمریکایی - و یک ایدئولوژی آمریکایی نیز وجود دارد - از شدت اعتبار ، از جمله در میان خود آمریکایی ها ، رنج می برد. دو باور اولیه این ایدئولوژی را تحت تأثیر قرار داده است و هر دو بطور جبران ناپذیری از بین رفته اند: به اصطلاح "رویای آمریکایی" و "استثنایی گرایی آمریکایی". رویای آمریکایی مدتهاست که جلوه خود را از دست داده است ، به جز شاید به مهاجران. برای افراد چپ ، رویای آمریکایی اکنون فقط با عبارات بد بینا نه ، به عنوان دوران طلایی گذشته تحرک نسبی اجتماعی که توسط سیاستهای ضد کارگری نئولیبرال از بین رفته ، ذکر شده است. از نظر راست افراطی ، رویای آمریکایی یک راهیایی است که لیبرال ها از طریق انواع برنامه های اقدام مثبت از سفیدپوستان گرفته و به اقلیت های نژادی و قومی داده اند. زیرمجموعه ضدانقلاب ترامپیان در واقع بازگرداندن رویای آمریکایی ، چشم اندازهای درخشان صعود اجتماعی ، به صاحبان مشروع آن - یعنی فقط به سفیدپوستان آمریکایی و فقط به آنها بود. در مورد استثنایی گرایی آمریکا ، این ایده که آمریکا یگانه کشور خداست ، این دو نسخه داشته است و از مدت ها اعتبار هر دو از بین رفته است. نسخه لیبرال آمریکا به عنوان "کشور ضروری" ، به عنوان ایالات متحده سابق وجود دارد. وزیر امور خارجه **مادلین آلبرایت** گفت ، جایی که ایالات متحده به عنوان الگویی برای بقیه جهان عمل می کند. گفته می شود این "قدرت نرم" آمریکا است که **فرانسیس فیترجرالد** در مورد آن نوشت: "این ایده که" مأموریت ایالات متحده ساخت دموکراسی در سراسر جهان بود ، در دهه «1950» به کنوانسیون سیاست آمریکا تبدیل شده است ،" به طوری که" کم و بیش تصور می شد که دموکراسی ، یعنی دموکراسی انتخابی همراه با مالکیت خصوصی و آزادی های مدنی ، همان چیزی است که ایالات متحده به جهان سوم ارائه می دهد. دموکراسی نه تنها زمینه مخالفت با کمونیسم را فراهم آورد بلکه روش عملی را برای اطمینان از عملکرد مخالف فراهم کرد " لیبرال های جنگ سرد معتقد بودند که در صورت لزوم گسترش دموکراسی از طریق زور اسلحه به عهده آمریکا است و هزینه فوق العاده این پروژه بلند پروازانه در زندگی از دست رفته و نقض حاکمیت ملت ها بود که منجر به ظهور تاریخی چپ جدید در ایالات متحده شد. آغاز شده با جنگ ویتنام. تلاش برای احیای مجدد این دموکراسی مبلغ برای توجیه ایالات متحده حمله به عراق در اوایل دهه «2000» انکار گسترده ای در سطح داخلی و جهانی پیدا کرد. نسخه محافظه کارانه استثنایی گرایی آمریکا برای اولین بار در اوایل دهه «1980» توسط **جین کرک پاتریک** ، سفیر **رونالد ریگان** در سازمان ملل به زور بیان شد ، وی گفت که ایالات متحده واقعاً استثنایی و منحصر به فرد است و دموکراسی این کشور برای صادرات نیست زیرا کشورهای دیگر کمبود دارند. نیازهای فرهنگی برای آبیاری آن ، بنا بر این توجیه حمایت آمریکا از دیکتاتورهایی مانند "**فردیناند مارکوس**" فیلیپین و "**آگوستو پینوشه**" شیلی است. هنگامی که **دونالد ترامپ** میراث ایدئولوژیک راست را به خود اختصاص داد ، دموکراسی خود را از آنچه قرار بود منحصر به ایالات متحده باشد خارج کرد. در سخنرانی خشن ضد مهاجر و طرفدار پلیس در کنوانسیون ملی جمهوری خواهان در آگوست «2020» ، حتی یک بار کلمه "دموکراسی" ذکر نشده بود. آنچه از نظر ترامپ منحصر به آمریکا بود ، روح تسخیر سرزمین و غرب توسط "دامداران و معدنچیان ، گا و چرانها و کلانترها ، کشاورزان و شهرک نشینان" بود ، دنیای سفیدی که امثال "**ویات ارپ**" ، **آنی اوکلی** ، **دیوی کراکت** و **بیل بوفالو**. " آن نام شخصیت های تلویزیونی که ترامپ ظاهراً از کودکی دوستش داشت دقیقاً نه با سفیدپوستان و نه با سایر جهان طنین انداز شد. یک احساس نامطمئن از کارایی یا عدم سلامتی که اغلب نشان دهنده یا همراه با شروع یک بیماری است. یک فرد آلوده احساس ضعف عمومی میکند.

## موسسه مقدس دیگری تهدید شد

در حالی که ترامپ مقاومت در برابر دموکراسی را تحریک کرده و پایگاه جمهوری خواهان نیز به همان لحظه حرکت می کند ، همانطور که طوفان کاپیتول به وضوح نشان می دهد ، چهار سال آینده نوید یک دوره اختلاف سیاسی بی قید و بند است . و با توجه به اینکه سیاستمداران غیرنظامی به طور فزاینده ای قادر به شکستن بن بست سیاسی نیستند ، ممکن است یک نهاد مقدس دیگر آمریکایی منقرض شود: انقیاد رهبری نظامی کشور به مقامات غیرنظامی برای کسانی که مداخله نظامی به نام "ثبات سیاسی" غیرقابل تصور است ، آنها فقط باید ببینند که ترامپ فقط در چند ماه گذشته با پشتیبانی غیرقابل پشتیبانی از پایگاه بزرگ توده ای خود ، چه تعداد کار غیر قابل تصور برای سنت های سیاسی آمریکا انجام داده است . آنها فقط باید به شیلی نگاه کنند ، جایی که سنت غرورآمیز این کشور در عدم مداخله نظامی در سیاست با کودتای نظامی در سال « 1973 » پایان یافت ، پس از مقاومت راستگرایان در برابر رئیس جمهور قانونی انتخاب شده سالوادور آلنده روند دموکراتیک را به بن بست رساند و به خیابان های خشونت آمیز منجر شد . جنگ تحریک شده توسط باندهای شبه نظامی راست گرایانه مانند پاتریا و لیبرتاد که شبیه پسران مغرور ، نازی های آمریکایی و کلان هستند در روزهای اخیر ، بسیاری از مفسران آمریکایی و خارجی در مورد ایالات متحده سیاست نشان دهنده این شوک است که کشوری که تدارکات مدرن را اختراع کرده است ، می تواند تنها (4) میلیون نفر از « 20 » میلیون نفر پیش بینی شده برای COVID-19 را تا پایان سال « 2020 » واکسینه کند . اما حتی " غیرقابل تصور " های قبلی نیز وجود دارد که احتمالاً به عنوان یک کشور اتفاق می افتد فرو رفتن در اعماق بحران های سیاسی و اقتصادی بیشتر شبیه بقیه جهان می شود ، همانطور که آمریکا بی ها بیشتر شبیه بقیه انسانها می شوند .

## چند سطر در مورد نویسنده :

والدن بلو بنیانگذار و تحلیلگر ارشد فعلی بانکوک Focus on the South South و استاد الحاقی بین المللی جامعه شناسی در دانشگاه ایالتی نیویورک در بینگهامتون است . وی در سال 2003 جایزه درست معیشت را دریافت کرد ، همچنین به عنوان جایزه نوبل جایگزین نیز شناخته می شود و در سال 2008 به عنوان برجسته برجسته جامعه مطالعات بین الملل شناخته شد . کتاب های وی شامل : " ضد انقلاب : ظهور جهان نی راست افراطی (2019) " و " آخرین موضع سرمایه داری؟ : جهان نی شدن در عصر ریاضت . (2013) "

----- با تقدیم سلامها «2021-01-10»